

# ARE WE STILL WAITING FOR UNITED NATIONS?

<http://www.ghandchi.com/325-UNFund-plus.htm>

## آیا ما هنوز منتظر سازمان ملل هستیم؟

من در جایی خواندم که عبارت "خدا به آنهایی کمک میکند که به خودشان کمک کنند"، برعکس تصور عمومی، نوشته ای در تورات نیست، بلکه از اساطیر یونان باستان است، که در کتاب *Aesop's Fables*، که نوشته ای شبیه کلیله و دمنه است، آمده است. در جایی که به شکل سخنان هرکول به یک گاریچی نقل شده است، با عبارت "خدایان به آنهایی کمک میکنند که به خود کمک کنند." داستان به شکل زیر است:

"یک گاریچی محموله سنگینی را در مسیر یک راه گل آلود میراند. وی به بخشی از راه میرسد که چرخ هایش تا نیمه در گل فرو میروند، و هر چه بیشتر اسبان را میکشد، چرخ ها بیشتر در گل مینشینند. در نتیجه گاریچی شلاق خود را بر زمین میگذارد، و خم میشود و دست دعا به سوی هرکول قدرتمند دراز میکند. "آه هرکول به من در این ساعت پریشانی کمک کن." اما هرکول بر وی ظاهر میشود و میگوید "انسان، بیهوده اینجا منشین. برخیز و شانه های خود را بر روی چرخ ها بگذار. خدایان به آنهایی کمک میکنند که به خود کمک کنند."\*

پس از خواندن داستان بالا، من درباره نامه های بسیاری که در 25 سال گذشته درباره نقض حقوق بشر در ایران، به سازمان ملل نوشتم افتادم، و در فکر رفتم که آیا این همه آن کاری است که ما ایرانیان میتوانیم درباره این وضعیت انجام دهیم! به یاد آوردم اولین نامه برای آزادی سعیدی سیرجانی از زندان جمهوری اسلامی، نوشته ای از گروهی از ایرانیان که ده سال پیش در 1994، تازه یک تشکیلات اینترنتی حقوق بشر بنام **گروه ایرانی حقوق بشر** را ایجاد کرده بودیم.

و به یاد آوردم اولین خبر هولناک دریافتی گروه وقتی از قتل سعیدی سیرجانی توسط جمهوری اسلامی مطلع شدیم. البته سالها طول کشید تا ما از کل ماجرای قتل آگاه شویم، که توسط باند سعید امامی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی انجام شده بود، همانهایی که سالها بعد فرو هر ها را با شقاوت تمام به قتل رساندند.

امروز ما ایرانیان به این نتیجه رسیده ایم که نیاز به یک رفراندوم تحت نظارت سازمان ملل داریم تا به جمهوری اسلامی پایان دهیم، و **فانون اساسی جدید** ایران را پایه گذاریم، و بسیاری افراد و گروه ها به کوفی عنان نامه نوشته اند تا سازمان ملل وارد عمل شده و این رفراندوم را سازمان دهد.

اما ما پاسخی از سازمان ملل نمیشنویم، همانگونه که همه این سالها ما درباره سعیدی سیرجانی و قربانیان دیگر جمهوری اسلامی نوشتیم. حتی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل محکوم کردن جمهوری اسلامی ایران برای دستگیری روزنامه نگاران و فعالین سیاسی را متوقف کرده است. ما همه درباره زهرا کاظمی، روزنامه نگار کانادایی-ایرانی، میدانیم، و اینکه چگونه وی در ایران توسط قاضی جمهوری اسلامی کشته شد، فاضی ای که هنوز سر کار است و به شکنجه زندانیان سیاسی در ایران مشغول است.

اما من نمیخواهم که سازمان ملل را سرزنش کنم. درست است که از نظر من ساختار کنونی سازمان ملل، در جهانی که گلوبالیسم در هر سو به پیش میرود، برای اقدام لازم در مورد معضلات جهانی کافی نیست، اما بحث من در اینجا در مورد این موضوع نیست. حتی وضعیات مشابه در آفریقای جنوبی و شوروی و نقش سازمان ملل در آن مورد ها، قابل انطباق به ایران نیست، و من سازمان ملل را برای این مسأله سرزنش نمیکنم. اجازه دهید بیشتر توضیح دهم.

به نظر من مسأله بخشاً به دلیل نوعی است که اپوزیسیون ایران شکل گرفته است، که برای آن من حتی خود مان را نیز سرزنش نمیکنم، اما وضعیت ایران نیاز به راه حل نو آورانه ای دارد و نه آنگونه که مثلاً در مورد آفریقای جنوبی اقدام شد. منظورم چیست؟

بر خلاف اپوزیسیون آفریقای جنوبی، که خواهان تحریم آفریقای جنوبی بودند، حتی پس از آزادی ماندلا، اکثریت اپوزیسیون ایران و مردم ایران خواهان تحریم نیستند، و فکر میکنند که تحریم به مردم ایران صدمه میزند، و به جمهوری اسلامی اثری نمیگذارد. چه این درک درست باشد و چه غلط، نتیجه آن است که سازمان ملل نمیتواند طرحی اجرا کند، که حکومت جمهوری اسلامی را زیر سؤال برد. چرا؟

چگونه ما میتوانیم از سازمان ملل انتظار داشته باشیم که فراخوان رفراندوم برای تغییر رژیم در ایران را بدهد، و قتی که ما میخواهیم که آنان حتی تحریمی بر روی دولت جمهوری اسلامی نگذارند. این درست است که در اندیشه ما، نخواستن تحریم جمهوری اسلامی، به معنی خواستن جمهوری اسلامی در قدرت نیست، اما چنین موضعی از دیدگاه سیاست بین المللی اینگونه درک نمیشود.

**اجازه دهید تاکید کنم که با نوشتن عبارات بالا، من نمیگویم که ما بایستی خواهان تحریم ایران شویم و من نظر خود را درباره تحریم قبلاً در مقاله دیگری نوشته ام و نیازی به تکرار در اینجا نیست.**

اساساً من معتقدم \*لغو\* تحریم های آمریکا \*نبایستی\* بدون غیر و شرط باشند و بایستی \*مشروط\* به حقوق بشر باشند. اما شرایط خواستار تحریم شدن با شرایط برای لغو تحریم های موجود، متفاوت است. من فکر \*نمیکنم\* فراخوان برای تحریم در وضعیت فکری کنونی ایرانیان و جنبش ایران در این رابطه، اقدام مناسبی است، و نوشتن بحث بالا برای توصیه چنین اقدامی \*نیست\*.

نکته بحث من این است که بنظر من شکلی که آفریقای جنوبی به جلو رفت، و یا شوروی، و یا حتی کامبوج نمیتواند در ایران به پیش برود، و در شرایط کنونی، این وضعیت، که حتی آمریکا در جستجوی همکاری جمهوری اسلامی برای جنگ با مخالفین و هابی سنی در عراق، و نقاط دیگر در جهان عرب است، متأسفانه من شک دارم، اگر ما بتوانیم از غرب برای کمک به رفراندوم تغییر رژیم در ایران انتظار زیادی داشته باشیم.

**بنابراین بنظر من ما بایستی که وضعیت را تغییر دهیم که در پائین توضیح میدهم.**

اپوزیسیون ایران در جستجوی حمله دولتهای متخاصم جمهوری اسلامی به ج.ا. نیست. همچنین ما حتی از سازمان ملل هم برای بایکوت جمهوری اسلامی تقاضا نمیکنیم، و در نتیجه نمیتوانیم از آنها انتظار کمک برای برچیدن جمهوری اسلامی را داشته باشیم. بنابراین ما نمیتوانیم به امید سازمان ملل در این شرایط باشیم، که صندوق مالی برای کمک به اپوزیسیون ایران ایجاد کند.

معهداً ما بایستی که نقش فعالی برای متشکل کردن مردم برای رفراندوم بعهدہ بگیریم، و از آنجا که مدل عراق و افغانستان، یعنی حمله به دولت کنونی ایران از نظر ما رد شده است، و از آنجا که مدل تحریم های سازمان ملل آفریقای جنوبی، و مدل بایکوت های شوروی از طرف دولت های غرب نیز، از نظر ما مردود هستند، ما بایستی که خود صندوق مالی برای کمک به خود درست کنیم. البته وقتی که نیروی کافی داشتیم، میتوانیم کمک از سازمان ملل و دیگران را بر مبنای شرایط مد نظر خود خواهان شده و بدست آوریم، اما مطمئناً در شرایط کنونی ما نمیتوانیم انتظار چندانی از آنها داشته باشیم.

**بنظر من اپوزیسیون ایران بایستی گروهی از ده تا بیست نفر از کسانی که معتمد مردم هستند را برای مدیریت صندوق ایرانی برای رفراندوم و تغییر رژیم تشکیل دهد، و صندوق بایستی پول از افراد و موسسات ایرانی و غیر ایرانی جمع آوری کند، و به جریان های مختلف که برای متشکل کردن جنبش رفراندوم در ایران و خارج فعال هستند، کمک کند. همانگونه که ما قادر بودیم صندوق های کمک مالی در واکنش به زلزله بم، برای قربانیان آن فاجعه، درست کنیم، مبیایست در این مورد، از پیش برای تحول جدید ایران، عمل کنیم، و صندوق مالی برای تأمین نیازهای تغییر رژیم به آنچه ما میخواهیم را، ایجاد کنیم.**

در شرایط حاضر، بسیاری افراد، گروه ها، و نشریات، فعالانه بر روی پروژه های مختلف، جهت سازمان دادن رفراندوم برای تغییر رژیم در ایران مشغولند، و اکثر آنها در مرز رها کردن فعالیت خود هستند، چرا که از امکانات مالی برای ادامه فعالیت برخوردار نیستند، و نمیخواهند از دولت های خارجی کمک قبول کنند، و صندوق سازمان مللی هم برای یاری به اپوزیسیون ایرانی وجود ندارد، و منبع درآمدی نظیر خمس و زکات هم برای نیروهای سکولار موجود نیست.

بنظر من وقتی ما این صندوق را درست کنیم و بطور پروفشنال به متشکل کردن جنبش برای رفراندوم مشغول شویم، آنگاه میتوانیم از سازمان ملل و سازمان های بین المللی دیگر، انتظار پاسخ به خواسته های به حق ایرانیان و فعالین جنبش دموکراسی خواهی ایران، جهت متشکل کردن رفراندوم برای تغییر رژیم در ایران داشته باشیم.

در غیر اینصورت، من فکر نمیکنم نامه های ما به کوفی عنان تغییری در روابط سازمان ملل و جمهوری اسلامی بدهد، بویژه وقتی آمریکا، تحت رژیم جرج بوش، تحریم ها علیه جمهوری اسلامی را تعدیل کرده، و تحریم علیه لیبی را کاملاً لغو کرده است.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر  
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

2 اردیبهشت 1383

April 21, 2004

متن بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/325-UNFundEng.htm>

مقالات دیگر مربوط به موضوع

<http://www.ghandchi.com/index-Page15.html>

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>